

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز

شهرداری مشهد

مدیرمسئول و سردبیر سید میثم موسوی مهر

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵

نمابر ۰۵۱-۳ ۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

سال هفدهم مهرماه ۱۴۰۵ ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۸ شماره ۴۸۷۴

اشبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهراآر نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۷:۲۹:۳۰

اذان مغرب ۱۷:۱۱:۱۶

غروب آفتاب ۱۱:۲۰:۱۵

اذان صبح فردا ۰۴:۰۵:۲۰

طلوع آفتاب فردا ۰۵:۲۹:۱۴

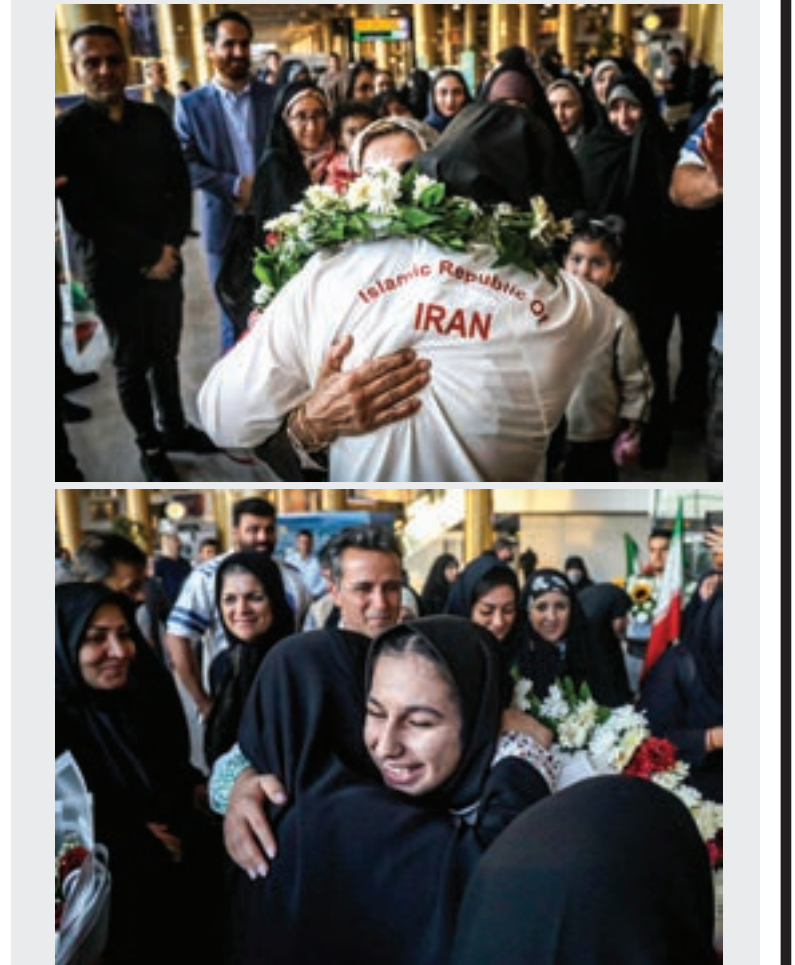
نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۱۸

۱۲ مهر

تقویم تاریخ

امروز سالروز درگذشت **مهدی صانعی**، خبرنگار مشهوری است که سال ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت.

عکس روز



قهرمان مشهوری

دختران پرافتخار ملی پوش ایران در بازی های آسیایی با جان و دل جنگیدند و برای ایستادن روی سکوهای قهرمانی و تصاحب مدال هرچه داشتند رو کردند. یکی از این شیرزنان ایرانی ریحانه کریمی وزنه بردار مشهوری تیم ملی است که موفق شد به عنوان نخستین وزنه بردار زن ایرانی در بازی های آسیایی مدال آوری کند. او به تازگی به خانه اش در مشهد برگشت و در فرودگاه شهید هاشمی نژاد با استقبال گرم خانواده و دوست دارانش روبه رو شد.

عکس: حدیث فقیری / شهرآرآ

چهره روز

مردی از جنس حروف

برای مهدی صانعی، خبرنگار فقید شهرآرآ که سال ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت

شهیدی | مهدی صانعی از آن آدم هایی بود که باید «خواند» تا فراموش نشود. «صانع» لبخند بود و «مهدی» حقیقت. راه یافته ای بود که رسم چراغ را تجربه می کرد. اهل کلمه بود و حرمت حروف را نگه می داشت. می خواست وقتی که به حروف آماده باش می دهد، وقتی آنان را کنار هم می نشاند، کلماتی برخیزند که «کلید» باشند برای قفل هایی که در جامعه وجود دارد. فلسفه رسانه و رسانه نگار همین است. اگر قفلی نگشاید خودش به قفل تبدیل می شود. اگر بن بست نشکند خودش به پاره ای سنگ در ساخت بن بست بدل می گردد. او به باور و رفتار می خواست و می کوشید که در شمار «مصلح» باشد برای ساخت

بنای رفیع جامعه. می خواست جانش چراغی باشد برای تاراندن تاریکی. در همین شهرآرآ به دنبال خلق تصویرهایی بود که به تولید روشنی بینجامد. چه در روزنامه کاغذی و چه در فضای مجازی. کوشنده دعوت به خیر بود و تلاشش این بود که شمار مخاطبان را هر روز افزایش دهد. همین نگاه هم او را دارای «ارزش افزوده» می کرد. می خواست در درازمدت از هر مخاطب، یک همراه بسازد. شهروندی که نگاه و تحلیل خبرنگاری داشته باشد. دریغ که کرونا چون دشمن به اردوگاه زندگی زد و مهدی صانعی را ربود. از او اما تصویر لبخند و نگاه کرماندش به یادگار ماند.

اول شخص

ایستاده، کنار خط

یادی از محمدتقی جعفریان، اولین مدیر تربیت بدنی خراسان هم زمان با سالروز درگذشتش

مریم شیعه اباد که بلند می شود. خاک نرم پیست را هم با خودش می برد. بخشی روی کشش ها می نشیند و بخشی هم روی صورت دهنده ها. بخشی از لایه های نرده های میدان سعدآباد بیرون می زند و توی هوا پخش می شود. اینجا هنوز خبری از تارتان. خط کشی های دقیق و سکوهای بزرگ نیست. دو زمین فوتبال خاکی است و یک پیست دوومیدانی. حتی پولش هم بی نقص از آب درنیامده و چند متر کم دارد. برای جوان هایی که عصرها خودشان را به اینجا می رسانند اما همین زمین ساده. همه دنیاست. نورالدین آل طه یکی از آن هاست. جوانی که از روزهای مدرسه می دود و حالا می خواهد از دودیدن چیزی بیشتر از یک مسابقه میان دبیرستان های شهر بسازد. او کنارش می ایستد. چشمش به باهای دهنده است. به ریتیم قدم هایش و از همه مهم تر به نفس هایش. به نفس هایی که باید تا خط پایان تقسیم شود. پیش از او زرگر نژاد با پیچ ها کار می کرد. تمرین ها ساده است. اینجا نه دستگاهی هست و نه امکاناتی که امروز جزو بدیهیات ورزش حرفه ای به حساب می آید. گرمای تابستان. زمین خشک و گاهی ملخ هایی که از روی پیست می پرند. جزئی از تمرین اند.

آل طه می دود. در مسابقات آموزشگاه ها اول می شود. بعد به مسابقات کشوری راه پیدا می کند و سرانجام در دهه ۱۳۲۰ یکی از نخستین طلاهای مهم دوومیدانی خراسان را به مشهد می آورد. سال ها بعد وقتی از آغاز کارش حرف می زند. نام مدیر ورزش استان «محمدتقی جعفریان» را می آورد. به عنوان کسی که سال ها تشویقش کرد. یکی از مردانی که کنار پیست ایستاد و به او گفت می شود جلوتر رفت.

آن سال ها هنوز ورزش خراسان دستگاه عریض و طویلی نبود. بسیاری از رشته ها روی دوش چند مربی. معلم. ورزشکار و علاقه مند می چرخید. تیم ها برای سفر امکانات محدودی داشتند. ورزشگاه ها اندک بودند. حتی برای داشتن یک تیم منظم باید آدم هایی پیدا می شدند که بیشتر از پول و عنوان. حوصله داشته باشند. جعفریان یکی از همین آدم ها بود. سال ها می گذرد و او پشت میز مدیریت ورزش بزرگ ترین استان آن روزگار ایران می نشیند. باید بداند در بیرجند چه می گذرد. در بجنورد چه کسانی کشتی می گیرند. فردوس ورزشگاه می خواهد یا مشهد برای فوتبالش به چه کسی نیاز دارد.

استانی به بزرگی یک کشور کوچک

محمدتقی جعفریان که برای مدتی مدیر ورزشگاه آزادی تهران را به عهده داشت. در دوره ای به رأس ورزش خراسان رسید که محدوده این استان با خراسان رضوی امروز قابل مقایسه نبود. خراسان بزرگ از شهرهای شمالی استان کنونی تا بیرجند و مناطق جنوبی امتداد داشت و اداره ورزش چنین جغرافیایی. آن هم با امکانات ارتباطی و مالی چند دهه پیش. معنای دیگری داشت. بیش از سه دهه. در مدیریت و ساختار ورزش خراسان حاضر بود. هیچ مدیر دیگری در تاریخ ورزش استان. مدتی نزدیک به او بر مسند مدیریت نمانده است. جعفریان پیش از آنکه مدیر باشد. با فضای ورزش آشنا بود. با گسترش تربیت بدنی. مأموریت او هم بزرگ تر شد. دیگر مسئله فقط چند دهنده در میدان سعدآباد نبود. فوتبال. کشتی. بسکتبال. والیبال. بوکس. دوومیدانی. ژیمناستیک. دوچرخه سواری و رشته های دیگر هر کدام هیئت. مسابقه. مربی و ساختار خود را می خواستند.

کوچه

ایران جدی است، هم در جنگ هم در دیپلماسی

روزنامه نگار غلامرضا بنی اسیری

مسئله را. رئیس جمهور پزشکبان هم در مجمع عمومی سازمان ملل. برابر گوش هوش جهان. اعلام کرد. برای دفاع از خود. از جنگ نمی ترسیم و برای صلح. از مذاکره نمی گریزیم و تا پای جان برای دفاع از ایران عزیز ایستاده ایم. این هم در جای خود در شمار اعلام رسمی موضع کلان ایران به دشمنان است. وزیر امور خارجه هم به واسطه ها ضمن اعلام شروط گفته و هم در رسانه ها جار زده است که هم برای جنگ و هم برای صلح آماده ایم. جنگ را انتخاب کنند. سروکارشان با سید مجید موسوی است و ضرب شست موشک هایش. آقا باشند و پشت میز مذاکره بنشینند یک سید دیگر را در برابر خود خواهند دید؛ سید عباس عراقچی. استحکام مواضع یکسان است. موشک را سید مجید در تراز بالاتر جواب می دهد. اگر خودکاری هم. ولو به اشتباه. در میز مذاکره به این سو پرتاب شود. عراقچی آن را با گره در اپرو به سمت اولش پرت خواهد کرد. ماجرا

بسیار روشن است و همان طور که وزیر خارجه می گوید: اکنون در حقیقت برای همه مشخص شده است که ایران علیرغم همه مطالبی که به آن شد و جنگ هایی که به آن تحمیل شد. در عرصه دیپلماسی حرف. منطق و راه حل دارد و همان طور که برای جنگ آماده است. برای دیپلماسی هم آماده است. فکر می کنم این خیلی جایگاه ما را ارتقا داد و نگاه کشورها به ما را و اینکه این ایران نیست که جنگ طلبی می کند بلکه آمریکاست. اصلاح می کند.

بله. ما با همان جدیتی که می جنگیم. در دیپلماسی هم اقدام می کنیم. جنگ و مذاکره را به عنوان دو راه مکمل برای دفاع از حقوق و منافع ملی مان پیش می بریم. نتیجه هم برای ما روشن است و برای جهان هم مبهم نیست که ما به عقب بر نمی گردیم.

رهبر معظم انقلاب حرف آخر را صریح و روشن و بی نیاز از تعبیر و تفسیر و توجیه. مثل امام

جنگ و تجربیات متعدد پیامد جنگ های تحمیلی. ما را «جدی» بار آورده است. چنان جدی که در هر راهی که پا بگذاریم. حسابگرانه و محکم قدم برمی داریم. جنگ باشد هستیم و صدمان را می گذاریم. تکلیف. مذاکره و دیپلماسی باشد باز هم صدمان را می گذاریم که نود و هشتاد و هفتاد و... هم ذیل آن تعریف می شود. جدی در کلام ما یک معنای مشخص دارد؛ حضور با تمام وجود در میدان.

این هم تصمیم قوه عاقله نظام است که نه گرفتار توهم خود بزرگ بینی خارج از قاعده می شود و نه در دام خود کوچک بینی. بیماری ترس و اضطراب می گیرد. این راه دشمنان آزموده اند. اگر به زبان نمی آورند تجربه را. از بی انصافی شان است. بدون اعلام ایران هم. جدیت ما را براساس محکم های مکرر می دانند اما اعلام هم کرده ایم.

مسئولان مربوط در دستگاه حاکمیتی دیپلماسی و نهاد حاکمیتی و بالادست شورای عالی امنیت ملی هم. بارها اعلام کرده اند این

مجید ادیبی

سخنگوی شرکت توزیع نیروی برق مشهد: در شش ماه نخست امسال افزون بر ۸۰ درصد مشترکان خانگی مشهد الکوی مصرف برق را رعایت کردند.